



۲۰۱۵/۰۵/۰۱

رسول پویان

طالبان و روزهای دشوار هرات

بخش ششم

توضیح

مردم ما وحشت و خشونت طالبان را با گوشت و پوست خود لمس، احساس و درک کرده اند. از خون پاک قربانیان بی دفاع در وجه و جب خاک میهن لاله های خونینی دمیده که پیام این ظلم و ستمگری را به نسل های آینده می رسانند. در باره طالبان زیاد نوشته شده است؛ اما در این نوشته فقط گوشه هایی از طرز حکومت استبدادی طالبان در عمل و به طور عینی در ولایت هرات به رشته تحریر درآمده است؛ بی شک که می تواند ماهیت واقعی این گروه را در عمل هویدا سازد.

دفن موسیقی و هنر

موسیقی و ساز و آواز ریشه در تاریخ و فرهنگ هرویای دارد. در عهد دولت های مستقل از جمله غزنویان و تیموریان موسیقی در هرات رونق زیادی داشت و محافل شاهانه و مجالس سرور مردمی با موسیقی زینت می یافت. این مطلب در یکی از ضرب المثل های هراتی به شکل خوبی تجلی پیدا کرده است:

عروسی بی ساز و آواز، زن بی ناز و دیگ بی پیاز مزه ندارد.

مردم هرات با شعر و موسیقی از قدیم عشق و علاقه داشتند. پس از انتقال قدرت از دولت کمونیستی به مجاهدین بعضی از عناصر تند رو و متعصب موسیقی را به دار کشیدند و موسیقی نوازان را در عزا نشانند؛ لیکن در دوره طالبان نعش نیمه جان موسیقی در گورستان سرد و خموش هریوای باستان به خاک سپاری شد و هر نوع شنیدن و نواختن موسیقی غیر شرعی و حرام اعلان گردید. طالبان در سطح هرات به انهدام آلات موسیقی و مجازات شدید شنوندگان و نوازندگان پرداختند. به تاریخ ۴ قوس ۱۳۷۵ از امواج رادیو هرات چنین اعلان شد:

تعدادی از جوانان کרוخ در حال نواختن موسیقی و رقص و سماع توسط مأموران امر به معروف و نهی از منکر دستگیر شدند. روی شان سیاه گردید و در شهر چرخ داده شدند تا جامعه از آنها عبرت بگیرد.

طالبان شنیدن موسیقی را در ردیف گناهان کبیره، مانند زنا و نوشیدن شراب قرار دادند. در روزنامه اتفاق اسلام ۱۶ دلو ۱۳۷۶ موسیقی و سرود از بزرگ ترین دست آورد های ابلیس معرفی شده بود.

این برداشت اوج دشمنی طالبان را به عشق و سرور، شور و نشاط و زنده دلی انسانی نشان می دهد. از موسیقی نه تنها آدمها، بلکه حیوانات هم لذت می برند. گویند که در فضای موسیقیدار نباتات بهتر رشد و نمو می کنند. از این بر می آید که طالبان با روان بیمار، عقده های درونی خطرناک، تعصب، تبعیض و خشونت هستی سوز، هنر و موسیقی را احساس و درک کرده نمی توانند. آنان همان طور که از آزار، شکنجه و کشتن انسان لذت می برند، به قتل هنر و موسیقی نیز افتخار می کنند.

در عهد طالبان نه تنها مردم در نظام خشونت و شلاق، شکنجه و زندان، تبعیض و تعصب قومی و فقر و بدبختی زندانی گردیدند، بلکه از عشق و محبت، هنر و موسیقی و شور و نشاط هم محروم شدند. در این دوره تیاتر از بین رفت؛ تلویزیون هرات در همان اوایل ورود طالبان تعطیل گردید؛ نقاشی و کشیدن چهره جانداران ممنوع گشت و عکس برداری منع شد.

طالبان باور داشتند که هرکس چهره جاندار را بکشد باید در روز قیامت به آن جان بدهد. به تاریخ ۷ ثور ۱۳۷۵ از طریق رادیو هرات چنین اعلان کردند:

از تمام دوکانداران خواسته می شود که از نصب و خرید و فروش عکس های بی روح خودداری کنند.

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

قتل کبوتران قشنگ

پرورش کفتران خانگی در هرات سابقه بس دراز دارد. این کبوتران زیبا در رنگ های گوناگون یافت می شوند و هراتیان در جوجه گیری و ترکیب رنگ های آنان مهارت خوبی دارند. قال های کفتر در اکثر منازل شهر و ده ها موجود است. اهالی هرات این موجودات لطیف و قشنگ را با پری تشبیه نموده و کشتن آن را ناروا و اهریمنی می دانند. به راستی که قتل این پرندگان معصوم و دلربا قلب سنگ و خالی از مهر و عاطفه می خواهد.

بلی! طلبه ها با قتل عام این کبوتران پری وش ثابت کردند که قلبی سخت تر از سنگ خارا و خالی از هر نوع رحم، عاطفه، احساس و عشق انسانی دارند. برای آنان قتل انسان، حیوان و مو هنر و موسیقی و آواز خوش و دلکش، لذت بخش می باشد

طالبان با غرور و افتخار به تاریخ ۱ جدي ۱۳۷۶ از طریق رادیو هرات اعلان کردند:

امروز بتعداد ۵۰ جفت کفتر در قریه سروستان هرات کشف و توسط افراد امر به معروف و نهی از منکر ذبح گردید.

اجرای فرایض و سنت ها در زیر دره و شلاق

مردم هرات با ریش های بلند خاکزده، دستارهای گردآلود و کلاه های رنگارنگ پاکستانی و هراتی در زیر بیرق سفید طلبه ها و خشونت روز افزون آنان عادت گرفته بودند و با قیودات شرعی و دره محتسبان و شلاق پولیس بی فورم و نشان طلبه ها سازگاری می کردند.

پولیس مذهبی طالبان در نمازهای پنجگانه مردم را به زور شلاق به مساجد می فرستادند و دوکان های شان را به زور می بستند. در وقت نماز کسی نمی توانست از جلو مساجد عبور کند؛ زیرا طالبان شلاق به دست با شلاق به جان آنها می افتادند. شنیده ام که بعضی از جوانان از ترس طالبان بدون وضو به نماز می ایستادند، چون در آن وقت تنگ فرصت وضو گرفتن را نداشتند و شلاق کور طالب هم زبان نمی فهمید.

اهالی محلات مجبور بودند نمازهای خفتن را در مساجد محلات اداء نمایند و هر شب به ملا امام مسجد مربوطه خود حاضری بدهند. طالبان در زیر چتر مذهب سیستم اختناق آور استخباراتی را در هرات مستقر کرده بودند و به این طریق خروج و ورود افراد را در محلات زیر نظر می گرفتند. تبلیغ و ترویج را طالبان از طریق مساجد به وسیله ملا امام ها در جامعه پیاده می کردند.

تفتیش عقاید و پرسش اصول و فروع دین و دیگر سؤالات مذهبی هر روز در بازارهای شهر جریان داشت و پولیس مذهبی مردم را در صفوف طولانی ایستاد می کرد و از آنها امتحان می گرفت. بسیاری از مردم زبان طالبان را نمی فهمیدند. درک پشتو و فارسی آمیخته با اردوی طالبان برآستی برای هراتیان بسیار دشوار بود. بسیاری از مردم به جرم زبان ندانی در حضور انبوهی از همشهریان شلاق می خوردند و به آبرو و شخصیت شان به طور بسیار بی رحمانه و ظالمانه تجاوز می شد.

صف قوماندانی امنیه و پاسپورت

شعبه پاسپورت در دوره مجاهدین و طالبان از پر درآمد ترین شعبات هرات بود و در بین قوماندان امنیه و رئیس پاسپورت همیشه نوعی شراکت وجود داشت و این همواره تداخلاتی در بین کار قوماندان امنیه و والی شهر در اعطای امر پاسپورت خلق می کرد. در ابتدای ورود طالبان طول این صف اندکی کوتاه شده بود؛ اما به مرور زمان دراز تر گردید و ورود به قوماندانی امنیه مشکل تر شد و این سختگیری ها سطح رشوه را بالا تر می برد.

گاهی برای داخل شدن مردم به قوماندانی امنیه جهت ضرورت رسمی ساعت ها انتظار می کشیدند و زمانی درد و داغ شلاق دربانان این ستمکده را با دل خونین تحمل می کردند و از بیم و هراس سلطه استبداد ناله و فغان هم کشیده نمی توانستند. مردم هری چنان از فشار دام های صیادان سنگدل خسته و فرسوده به نظر می آمدند که دیگر شاید تپیدن را هم فراموش کرده بودند.

شرایط و موقعیت به اندازه ناسازگار بود که امکان هرگونه حرکت و جنبش را از مردم سلب می کرد. در چنین فضا و حالت یا جامعه به سوی انفجار بی برنامه بهتر است بگوئیم انفلاق می رود و یا تسلیم پذیری و فرمان برداری را قبول می کند و به زندگی بخور و نمیر قناعت می نماید؛ زیرا به حال و آینده امیدی ندارند.

طالبان از حلم و شکیبایی هراتیان سوء استفاده کردند و از آزار و شکنجه آنان لذت می برند. آنان عقده های چرکینی که از شمال افغانستان بدل گرفته بودند، بالای مردم مظلوم و صبور هرات خالی می کردند. در اینجاست که هراتیان راهی به جز مبارزه برای آزادی و رهایی از اسارت نداشته و ندارند.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

مستی هریرود

طی جنگ دراز مدت اخیر به شبکه آبیاری سنتی و قدیمی هرات صدمات و خسارات فراوانی وارد آمد و در اثر مستی سیلاب های بهاری و تغییر بستر رود هری اراضی مزروعی وسیعی در دو لب رود تخریب و دهکده های زیادی آسیب دیدند. تغییر بستر رود بستن بندهای خاکی جویباران را به مشکل رو به رو کرده و جریان آب را به برخی اراضی مزروعی بسی دشوار ساخت.

در پایان برج ثور ۱۳۷۶ که گند مزاران تازه شیره کرده بود، شالی ها از دل خاک سر برآورده و سبزی و فالیز باب نیاز به آب فراوان داشتند، یکبارگی بند ریگ جوی انجیل و بند خاکی جوی آنجان را آب برد و هزاران فامیل دهقان را در سوگ کشتزاران شان نشانید. نقل کنند که جوی آنجان در حدود ۳۶۰ جفت گاو زمین مزروعی را مشروب سازد که هر جفت گاو آنجان ۴۰ جریب می باشد.

باز سازی و نو سازی شبکه آبیاری هرات و مهار نمودن سیلاب های بهاری هریرود یکی از نیاز های اساسی محسوب می گردد و در رشد و انکشاف زراعت هرات نقش بسیار مهم دارد. اجرای این پروژه حیاتی ضرورت به پلان ستراتیژیک می داشته باشد. با احداث بندهای بزرگ و بند های آبگردان مناسب در مسیر هریرود ظرفیت استفاده از آب این رود به اندازه کافی بالا رفته و در زراعت و شبکه آبیاری این ولایت انقلاب عظیمی پدید خواهد آمد. مؤسسه خیری اسکان بشر ملل متحد جهت بستن بند ریگ تلاش زیادی کرد. چنان که فشرده آن در روز نامه اتفاق اسلام ۱۰ جدي ۱۳۷۷ چنین درج شده است:

«پرچاه بند ریگ با زیر بنای دوهزار متر مربع، هشت هزار متر مکعب کند نکاری و به حجم مجموعی هفت هزار متر مکعب پاک کاری و ۲۲۰۰ متر مکعب سنگ کاری با مصالح کانکریتی و ۲۸۰ متر مکعب کانکریت ریزی ادامه دارد. مصرف نقدی این پروژه ۲۸ هزار لک افغانی برآورد شده که ده هزار آن را خود اهالی پرداخته و متباقی را مؤسسه مزبور تأمین کرده است. باید گفت که تا کنون چند بار این بند تعمیر شده و دوباره به سبب عدم استحکام بستر رود تخریب گردیده است. دهقانان هرات همواره از سیلاب های بهاری آسیب می بینند و بستن هر ساله بندهای خاکی آنان را به بیگاری می کشد.

معارف و تحصیلات عالی

اگرچه وضع عمومی تحصیلات عالی در هرات از همان روزهای نخستین تعریفی نداشت و از کمبود کادر متخصص، وسایل و امکانات درسی و پروگرام علمی و آموزشی رنج می برد؛ لیکن آغاز تحصیلات عالی و تأسیس پوهنتون در ولایت هرات گام مفیدی محسوب می شد. با عشق و علاقه محصلان و تلاش و فداکاری استادان می توانست رشد و توسعه پیدا کند.

در عهد طالبان زمینه هر نوع رشد و انکشاف در سطوح گوناگون از جامعه سلب شد. در اثر فروپاشی نظام اداری، کناره گیری اکثر کادرهای فنی و مسلکی، محرومیت زنان و دختران از حق تحصیل و کار، برکناری تعداد زیادی از متخصصان و کارمندان سابقه دار هراتی توسط طالبان و پیوستن شان به صفوف طولانی بیکاران و فقیران، لغو فاکولته هنرهای زیبا و غیره هر نوع شوق و علاقه به مکتب و تحصیلات عالی را در جوانان و نوجوانان هراتی سرکوب کرد.

معارف و تحصیلات عالی به سقوط رو برو شد. بیشتر معلمان و استادان به سبب کمی معاش و مشکلات روزمره در زیر فشارهای طالبان ترک وظیفه کردند. هزاران زن و دختر باسواد و تحصیلکره خانه نشین گردیدند. بقول استادان پوهنتون در سال ۱۳۷۷ از ۳۰۰ نفری که در امتحان کانکور قبول شده بودند، فقط ۷۰ نفر حاضر ثبت نام در رشته های ادبیات، زراعت، پیداکوچی (دارالمعلمین) و شریعات شده و متباقی از ثبت نام و ادامه تحصیل خودداری کردند. وضع تعلیم و تربیه نیز بسیار آشفته و خراب بود. معاش معلمان کفایت خرج چند روزه آنان را نمی کرد. اختناق و فشار های طاقت فرسای طالبان همه را خسته و ناامید کرده بود. حجم مضامین دینی در مکاتب زیاد شده و شاگردان از درک و فهم آن عاجز بودند. اطفال خردسالی که تا هنوز بستن دستار را به سر نمی دانستند، مجبور به پوشیدن منديل شدند. در این فضای مسموم و خفه کننده برای علم و دانش و تعلیم و تربیه جایی باقی نمی ماند.

پایان بخش ششم

ادامه دارد

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی